حوزه علمیه تقریب‌گرای سامرا و نقش میرزای شیرازی!

چکیده

میرزای شیرای دارای شخصتی بارز و تقریب‌گرا بوده است که در گفتار و رفتار ایشان نمایان گردید.برحسب نقلها ایشان با نیت تقریب مذاهب از نجف به سامرا،که شهری سنی‌نشین بود،مهاجرت نمود و حوزه و مکتبی تقریب‌گرا به وجود آود.علاوه بر شخصیت میرزا،حضور حوزه شیعه در محیط و شهر سنی‌نشین سامرا آثار نیکویی در زمینه همبستگی بین پیروان مذاهب اسلامی داشته است که حاصل تعامل و زندگی مشترک شیعه و سنی در کنار یکدیگر است و در سبک خاص مکتب سامرا و پرورش‌یافتگان این مکتب که طلایه‌داران نهضت تقریب در عصر جدیدند به خوبی هویدا است و مدلی دانشی در مورد ایجاد محیطی تقریب‌گرا ارائه می‌نماید.

مقدمه

منقول است که میرزامحمد حسن شیرازی ملقب به«میرزای بزرگ»و«سیدمجدد»در جهت و با هدف ایجاد تقریب و همبستگی بین مذاهب اسلامی،حوزه علمیه تشیع را به سامرا که شهری سنی‌نشین بود،منتقل نمود.خود میرزا شخصیتی وارستهسیاس و آشنا با مسائل و مصالح امت مسلمان بود.انتقال حوزه از نجف به سامرا نیز با همین هدف صورت گرفت و نتایج چشمگیری داشت.از جمله نتایج انتقال حوزه به شهری سنی‌نشین به وجود آمدن سبک جدیدی در حوزه به نام«مکتب سامرا»شد و نیز شاگردانی با روحیه تقریب‌گرا پرورد که همگی از آثار تعامل و همزیستی شیعه و سنتی در این شهر است.

این مقاله ابتدا به اختصار به بیان زندگی میرزای شیرازی می‌پردازد و پس از آن،دلایل انتقال حوزه به سامرا را بررسی می‌کند و در نهایت تأثیر تعامل و هم‌گرایی با اهل سنت را در مکتب سامرا

و پرورش‌یافتگان آن مکتب که عموما دارای شخصیت تقریب‌گرا و تعامل‌گرا می‌باشند، پی می‌گیرد.

زندگی‌نامه میرزامحمد حسن شیرازی

سیدمحمد حسن‌میرزا فرزند سیدمحمود،معروف به میرزای شیرازی و سید مجدد،از بزرگان و نامداران علمای امامیه و مراجع بزرگ شیعه در بلاد اسلامی بود و به سبب فتوای تاریخی تحریم تنباکو،شهرت جهانی یافت.او در 15 جمادی الاولی سال 1230 ق در شیراز متولد شد و در سن چهارسالگی تحت تعلیم دایی‌اش میرزاحسین موسوی قرار گرفت و در سن شش‌سالگی شروع به تحصیل علوم عربی کرد و پس از آنه به فراگیری فقه و اصول مشغول شد و در سن 15 سالگی شرح لمعه تدریس می‌نمود.در 17 سالگی به اصفهان سفر کرد و چند ماهی نزد محمد تقی اصفهانی مؤلف«حاشیة المعالم»شاگردی کرد و با رحلت آن استاد،نزد علامه سیدحسن بیدآبادی مشهور به«مدرس»شاگردی نمود و قبل از 20 سالگی موفق به کسب اجازه اجتهاد از استادش بیدآبادی گردید. نیز در مباحث درس شیخ‌ابراهیم کلباسی شرکت کرد،تا آنکه از مدرسان فاضل اصفهان شد.سپس در سال 1259 ق در سال وفات سیدکاظم رشتی وارد نجف اشرف شد.در آنجا نزد شیخ‌محمد حسن نجفی صاحب جواهر و شیخ حسن آل کاشف الغطاء شاگردی کرد و اجازه اجتهاد دوم را از صاحب جواهر دریافت نمود و نیز عمده استفاده وی در نجف از شیخ‌مرتضی انصاری بود.

میرزا در مباحث فقه و اصول شیخ‌مرتضی انصاری تا آخر حیات ایشان شرکت نمود و از مشهورترین شاگردان شیخ مرتضی شد.شیخ انصاری در حضور دیگر شاگردانش میرزای شیرازی را مورد تعظیم قرار می‌داد و به کرات به اجتهاد وی اقرار نمود.شیخ انصاری دائما تصریح می‌کرد که مباحث درسی‌اش برای سه نفر است:میرزامحمد حسن شیرازی،میرزاحبیب اللّه رشتی و آقاحسن تهرانی.پس از رحلت شیخ انصاری در سال 1281 ق،مردم و شاگردان شیخ انصاری به گرد میرزای شیرازی جمع شدند و وی را به ریاست و زعامت دینی برگزیدند.1

شخصیت تقریب‌گرای میرزای شیرازی

میرزای شیرازی شخصیتی تیزبین،سیاس و آشنا با امور جهان و تحولات آن بود.شواهد بسیاری در عرصه زندگی ایشان موجود است که برای مثال می‌توان به نمونه بارز آن یعنی نهضت تنباکو اشاره نمود که اگر اقدام ایشان نبود،با توجه به آثار شوم حضور بریتانیا در ایران،چه بسا ایران نیز مانند هند به مستعمره تبدیل می‌شد.میرزا در نهضت تنباکو قدرت مرجعیت شیعه را به

جهان نشان داد و الگوی بسیاری از مبارزات بعدی مسلمانان قرار گرفت.از جمله قیام علما برای نجات مردم مسلمان عراق از سلطه استعمار انگلیس و جلوگیری از به روی کار آمدن حاکم انگلیسی، نهضت مشروطیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران به رهبری روحانیت و سایر نهضتهای اسلامی در قرن اخیر که مبدأ آنها از نهضت میرزای بزرگ نشئت گرفته است.همه معاصران میرزا به این خصلت ایشان تصریح کرده‌اند.میرزا حبیب اللّه رشتی از عالمان بزرگ و معاصر میرزا،درباره میرزا گفته است:«شیخ انصاری سه چیز ممتاز داشت:علم، سیاست و زهد،سیاست را به حاج میرزاحسن شیرازی (1).ر.ک:(طبقات اعلام الشیعة نقباء البشر،ج 1،صص 441-436؛اعیان الشیعة،ج 8،صص 452-442.

داد».2

مؤلف«ریحانة الادب»نوشته است:«علاوه بر مقامات عالیه علمیه و مدارج سامیه عملیه به طرق ریاست و حسن اداره نیز دانا و در اصول سیاست بینا بود»3و به گفته مؤلف «اعیان الشیعة»علامه سیدمحسن امین:«میرزا رهبری دانشمند،فقیهی کاردان،عاقل،تیزفکر،دوراندیش و نیک تدبیر بود»4و به تعبیر مرحوم حرزالدین:«اندیشه‌ور بود و بر اخبار دور و نزدیک شهرها،بلکه کشورهای اسلامی و رهبران آنان آگاه بود،و از اخبار و چگونگی آنان غافل نبود».5این اطلاعات توسط وکلای میرزا که از اطراف عالم اسلامی گزارش می‌دادند،تأمین می‌شد.

میرزا از سعه صدر زیادی برخوردار بود به طوری که هرگز خشمگین نمی‌شد و کسی را ناراحت نمی‌ساخت،تا آنجا که در ماجرای قتل فرزند رشیدش توسط یکی از سنیان ساکن سامرا،حفظ وحدت مسلمنان را بر خون‌خواهی و کینه‌جویی ترجیح داد.6

میرزای شیرازی در کنار آموزش و پرورش شاگردان به آداب معاشرت و برخوردهای اجتماعی آنان نیز عنایت داشت و به رعایت آداب اهتمام می‌ورزید و از دادن اجازه اجتهاد به کسانی که فاقد این روحیه بودند،خودداری می‌نمود.

هجرت میرزای شیرازی به سامرا

میرازی شیرازی پس از سفر حج در سال 1282 ق و اقامت در نجف اشرف و سپس کربلا در نیمه‌شعبان

سال 1290 ق راهی کاظمین شد و از آنجا به سوی سامرا رفت و اواخر شعبان سال 1291 ق وارد سامرا گردید.عده‌ای از شاگردان میرزا در تعجب بودند.میرازی شیرازی درباره اقامت دائم در سامرا یا بازگشت به نجف و یا کربلا سخنی به میان نمی‌آورد،بلکه کرسی درس تشکیل داد.شاگردان پس از مشورت با یکدیگر تصمیم گرفتند این مسئله را با استاد در میان بگذارند و از نجف به قصد سامرا حرکت کردند.

موضوع در حضور میرزای شیرازی مطرح شد.میراز پاسخ داد من تا زیارت مشهد و امام رضا(ع)نروم،وارد نجف نمی‌شوم.شاگردان چون می‌خواستند وظیفه خود را بدانند و تصمیم بر اقامت در نجف یا عزیمت به سامرا بگیرند،از استاد خواهش کردند تکلیف قضیه را روشن سازد.میرزا اظهار داشت در حرم مطهر امام عسکری(ع) استخاره می‌کنم،پس از استخاره،میرزا تصمیم بر ماندن در سامرا گرفت.کتابهای وی را از نجف به سامرا آوردند.اکثر شاگردانش از نجف به سوی سامرا سرازیر شدند و حوزه سامرا به برکت قدوم میرزا شکل گرفت.7

در خصوص هدف میرزای شیرازی از هجرت به سامرا مواردی را ذکر کرده‌اند،علامه سیدمحسن امین که خود از شاگردان میرزا است،هدف را دوری از جو بسته نجف که به کسی اجازه تحول‌خواهی نمی‌داد،دانسته است،هرچند ذکر می‌کند که این مسئله علت تامه آن نیست.8نیز آیت ا... سیدرضی شیرازی از نوادگان میرزای شیرازی چهارمورد را از علل مهمی می‌داند که آن بزرگوار را وادار به هجرت از نجف به سامرا ساخت و مهم‌ترین هدف میرزا را تقریب بین شیعه و سنی ذکر می‌کند و می‌گوید:«به نظر من این مهم‌ترین هدف میرزا بود».9

در اینکه ایشان جزء اولین منادیان وحدت در عصر جدید بودند و این نکته برجسته‌ای در اندیشه سیاسی میرزای شیرازی به شمار می‌آید،شکی نیست،بلکه یک عمر زندگی و مشی ایشان و تربیت شاگردانی که پیشگامان نهضت تقریب مذاهب در عصر جدید بودند،بهترین دلیل بر این مدعا است.

تقریب‌گرایی مکتب سامرا

ویژگیهای شخصیتی میرزای شیرازی،محیط سنی مذهب شهر سامرا و قرار داشتن حوزه سامرا در مرکزیت قبایل اهل سنت عراق،تعامل دائم شیعه و سنی و نشست و برخاستهای برادران مسلمان در شهر سامرا و زندگی در کنار هم و گفتگوها و مباحثات طلاب شیعه و سنی،همه (2).مرگی در نور،ص 84.

(3).ریحانة الادب،ج 6،ص 68.

(4).اعیان الشیعة،ج 8،ص 443.

(5).معارف الرجال،ج 2،ص 234.

(6).ر.ک:شیخ آقا بزرگ،ص 28.

(7).طبقات اعلام الشیعة نقباء البشر،ج 1،ص 439.

(8).ر.ک:اعیان الشیعة،ج 8،ص 445.

(9).«مصاحبه با آیت اللّه سیدرضی شیرازی».

مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی » بهار 1392 - شماره 31 (صفحه 42)
و همه دارای آثار نیکوی همبستگی بر شیعیان و اهل سنت سامرا است و همین دو عامل یعنی شخصیت میرزای شیرازی و تعامل شیعه و سنی با یکدیگر از حوزه سامرا مکتبی تقریب گرا ساخته است که شاگردانی نیز با همین خصلتها تربیت نموده است.در اینجا سعی می شود به برخی از این ویژگیها اشاره شود:

1)تعامل گرایی و پرهیز از تفرقه جویی در مکتب سامرا

میرزا در مرکز قبایل اهل سنت عراق سکنی داشت،بدین جهت لازم بود که دائما با آنان در تماس باشد و از برخوردهای احتمالی که بین شیعیان زائر و اهل تسنن به وجود می آمد،جلوگیری کند.در این راه چنان هوشمندانه عمل کرد که در آن مدت نه تنها تشنجی بین این دو دسته به وجود نیامد،بکله رفتار میرزا باعث شد که اهل سنت نسبت به شیعه مهربان شوند و بسیاری از شایعات و توطئه های دشمنان خنثی شود که قدم بزرگی در مسیر ایجاد تقریب بین مذاهب در عراق بود.

اخلاق و منش میرزا در سامرا موجب شد که ایشان به صورت غیرمنتظره ای در دل اهل سنت جا پیدا کند که امروزه نیز آثار آن مشهود است.عبد الکریم بی آزار شیرازی که در سفر امام خمینی(ره)به

سامرا در کنار امام و ملازم ایشان بوده‌اند،نقل می‌کنند که امام راحل با استقبال عجیب علمای اهل سنت سامرا مواجه شدند که ورود امام را با ورود میرزای شیرازی به سامرا مقایسه می‌کردند و مانند هم می‌دانستند که حاکی از جایگاه والای میرزای شیرازی در دل اهل سنت ساکن سامرا بود10و نتیجه اخلاق شخصی میرزای شیرازی در تعامل با اهل سنت است که مناسب است به این مسئله بیشتر پرداخته شود.

تعامل میرزای شیرازی با اهل سنت

در تمام طول مدت حیات میرزا در سامرا،ایادی دولت انگلیس سعی می‌کردند که بین میرزا و سنیان درگیری ایجاد کنند و بدین وسیله اقتدار دولت عثمانی را از بین ببرند،ولی میرزا با هوشیاری،همه آنها را خنثی ساخت که چند نمونه قابل نقل است:

1.مرحوم حرزالدین دو نمونه از ذکاوت میرزا را در این بین بردن فتنه‌های سیاسی که از اجانب به وجود آورده بودند،ذکر می‌کند که اولی ماجرای تنباکو و دومی در سال 1311 ق است؛یعنی زمانی که حسن‌پاشا والی دولت عثمانی به دیدار میرزا رفت،ولی میرزا طبق معمول به وی اعتنا نکرد. این کار کینه او را علیه میرزا برانگیخت و عده‌ای را علیه شیعه تحریک کرد.با این کار فتنه‌ای را دامن زد که بغداد را دربرگرفت و شکایت علما و طلاب به جایی نرسید.سفیر انگلیس به طرفداری سید و اطرافیان تظاهر کرد.به سامرا آمد و از میرزا اجازه ملاقات خواست،اما ایشان اجازه نداد و برای حفظ کیان اسلام و مسلمانان به وی اعتنا نکرد. سفیر انگلیس با یارانش سرشکسته بازگشتند و آن ماجرا با پیروزی سید پایان یافت و امنیت به سامرا بازگشت.11

2.محمد رضا حکیمی در کتاب«شیخ آقا بزرگ»از قول شخصی به نام عبد الرحیم محمد علی نقل می‌کند:«یکی از مردم سامرا که به دلیلی عاطفی نسبت به میرزای شیرازی کینه می‌ورزید،پسر بزرگ میرزا(میرزامحمد شیرازی) را مضروب ساخت و میرازمحمد به علت این ضربه درگذشت.میرزای شیرازی در این واقعه لام تا کام نگفت و کمترین واکنشی نشان نداد.دشمنان آن روز اسلام واقعه را مورد توجه قرار دادند و خواستند برای ایجاد فتنه‌ای در دنیای اسلام از آن بهره بگیرند و به این منظور عده‌ای به سامرا آمدند و به خدمت میرزا رسیدند و از وی درخواست کردند تا در مورد کشته شدن فرزندش و کار ناشایستی که به خصوص با توجه به مقام میرزا واقع شده است،اقدام کند و دستوراتی بدهد.میرزای بزرگ به شدت آنان را از خود راند و فرمود:می‌خواهم خوب بفهمید!شما حق ندارید در هیچ‌یک از امورد مربوط به ما مسلمانان و سرزمینهای ما مداخله

کنید.این یک قضیه ساده است که میان دو برادر اتفاق افتاده است.آن عده با سرشکستگی از حضور میرزا مرخص شدند.این جریان در آن ایام،در استانبول،به باب عالی رسید.خلیفه عثمانی از این موضع‌گیری هوشمندانه مرجع شیعه شادمان شد و به والی بغداد دستور داد که خود به حضور میراز برسد و از وی تشکر کند و از وقوع حادثه اعتذار جوید و ابراز تأسف نماید...».12

(1).«مصاحبه با دکتر عبد الکریم بی‌آزار شیرازی».

(11).معارف الرجال،ج 2،ص 235.

(12).شیخ آقا بزرگ،ص 29.

مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی » بهار 1392 - شماره 31 (صفحه 43)
3.یک شب زمانی که میرزای شیرازی به منزل بازمی‌گشت، شخصی سنگی به طرف ایشان پرتاب کرد.دشمنان شایعه کردند که این سنگ از طرف اهل سنت بوده است.کنسول انگلیس به سامرا رفت،اما میرزا اجازه ملاقات نداد.کنسول گفت من برای تنبیه اهل سنت به خاطر این جسارت نزد شما آمده‌ام.میرزای شیرازی پاسخ داد:من گمان نمی‌کنم که این کار از روی قصد و عمد بود و هم گمان نمی‌کنم از جانب اهل سنت بوده است.کنسول بدون اینکه به مقصود خود که همان اختلاف بین شیعه و سنی بود،نایل شود بازگشت. زمانی که اهل سنت این بلندنظری را از میرزا دیدند نزد او آمدند و عذرخواهی کردند.13

4.آیت اللّه سیدرضی شیرازی از نوادگان میرزای شیرازی می‌گوید:«وقتی میرزا مدرسه علمیه‌ای را می‌سازد، اهل تسنن هم به فکر ساختن مدرسه برای طلاب می‌افتند و میرزا به آنها کمک می‌کند که مدرسه‌شان را بسازند».

5.نیز ایشان ماجرای دیگری را نقل می‌کند:«یک بار در سامرا بین یک طلبه شیعه و یک طلبه سنی زد و خوردی پیش می‌آید،در چنین مواقعی معمولا ایادی نفاق از موقعیت سوءاستفاده می‌کنند،بنابراین عده‌ای را تحریک کردند که منزل میرزا را سنگباران کنند.این مسئله خیلی برای میرزا گران تمام شد.شیوخ فرات که اغلب شیعه هستند،برای میرزا پیغام فرستادند که شما هر امری بفرمایید،ما اطاعت می‌کنیم.کاردار سفارتهای انگلیس و روس هم اجازه ملاقات خواستند،اما میرزا اجازه نداد،اما والی عثمانی را به حضور پذیرفت.والی پرسید:درباره متجاسرین به بیت خود چه دستوری

می‌دهید؟میرزا جواب داد:«اینها فرزندان ما هستند،خودمان آنها را آشتی می‌دهیم».عمویم می‌گفت پیرمردهای سامرا می‌گفتند ما آزادشده میرزا هستیم،چون او می‌توانست ما را مجازات کند،اما با مهربانی و رأفت با ما رفتار کرد».14

این چند مورد از موضع‌گیریهای هوشمندانه و سعه صدر میرزا در سامرا بود که توسط بسیاری از شاگردان ایشان نیز در همه بلاد مورد تبعیت قرار گرفت و هریک در موارد گوناگون مانع ایجاد دشمنی و درگیری بین برادران مسلمان شده و همواره از همه مسلمانان چه شیعه و چه سنی حمایت خود را دریغ نکردند که در بخش آخر مقاله به شاگردان این مکتب خواهیم پرداخت.

2)توجه به سیاست و امور اجتماعی

حوزه علمیه نجف با تمام توان و تاریخ علمی که داشت در زمان میرزا حوزه‌ای ناآشنا با تحولات اجتماعی و جهان معاصر و شیوه‌ها و دانشهای نویت بود و چه بسا ورود به این مسائل را آلوده کردن روحانیت به سیاست می‌دانست و به پدیده‌های نوظهور به چشم بدعت می‌نگریست و با آن مبارزه می‌نمود.

حوزه نجف با چنین اندیشه‌هایی دست به گریبان بود و سیدمحسن امین به خوبی جوی را که حتی مانع تحول خواهی میرزا می‌شد،نمایش می‌دهد و یکی از عوامل مؤثر در هجرت میرزا به سامرا را همین می‌داند که چون میرزا در حوزه نجف نمی‌توانست طرح خود را پی بگیرد، حوزه سامرا را احیا نمود و تحولی عظیم ایجاد کرد.ایشان می‌نویسد:«دقیق‌ترین چیزی که به ذهن می‌آید آن است که سبب هجرت میرزا،قصد دوری گزیدن از دیگران بود؛ زیرا سامرا از مراکز علم و مدعیان دانش به دور بود و میرزا می‌توانست در آنجا به خواسته‌هایش جامه عمل بپوشاند و مصاحبت با خواص دردآور و رنج‌آفرین است و دوری از آنان سبب راحتی و تشکل است.امیرمؤمنان در نامه‌اش به مالک اشتر فرموده است:«بالاترین زحمت برای حاکم از جانب خواص پیش می‌آید»و حوادث نجف و اختلاف دو گروه و یا مزاحمت بزرگان از مقومات هجرت میرزا بود نه علت اصلی».15اندیشه‌های سیاسی مکتب سامرا موجی جدید در حوزه نجف و بعدها در حوزه قم پدید آورد،طلاب جوان و آشنای با افکار میرزا و اندیشه‌های نو از مکتب سامرا سربرآوردند.حوزه را با دانشهای نو پیدا آشنا کردند و تحولات جهانی را به حوزویان نشان دادند و پیشگام انقلابها و ترقی‌خواهیها گشتند.از جمله باید از پیشگامان نهضت مشروطه ایران،آخوند خراسانی و میرزای نائینی نام برد و نیز سایر بزرگانی چون سیدهبة الدین شهرستانی، علامه شرف الدین،علامه کاشف الغطاء،سیدمحمد تقی شیرازی،شهید

شیخ فضل الله نوری، آیت الله کاشانی، سید (13). آشنایی با مذاهب فقهی اسلامی، ص 192.

(14). «گفتگو با آیت الله سیدرضی شیرازی».

(15). اعیان الشیعة، ج 8، ص 443.

مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی » بهار 1392 - شماره 31 (صفحه 44)
حسن مدرس و صدها روحانی پرتحرک و بیدار که پرورش یافتگان مکتب سامرا و در عصر جدید از پیشاهنگان نهضت تقریب هستند که برای اثبات کافی است به فهرست مقالات مجله«رسالة الاسلام»دارالتقریب نگاهی انداخت و نام این بزرگان و نظرات اصلاحی و تقریبی آنان را مشاهده نمود.16

در مدرسه میرزا،حوزه در انحصار مسجد و مدرسه نبود، بلکه مدبر دنیا و آخرت بوده است و تحصیل کردگان آن مکتب،مدیران امور اجتماعی و گره گشای کار مردم و نگهبانان جامعه از آفات و هجوم و آگاه به امور جامعه بوده اند.در این راستا در مکتب سامرا علاوه بر تدریس دروس معمول،معضلات فقهی و فروع سیاسی اسلام نیز تدریس می شد.در کنار احکام نماز و روزه،عهدنامه مالک اشتر؛یعنی خط مشی حکومت اسلامی نیز مطالعه می شد. میرزای نائینی می نویسد:«مرحوم آیت الله العظمی سیدنا الاستاذ العلامه آقای میرزای شیرازی قدس سره غالبا به مطالعه این فرمان مبارکه عهدنامه مالک و سرمشق گرفتن از آن مواظبت می نمود»17که نشانه توجه عمیق میرزا به سیاست و ابعاد مختلف آن است.

در امور اجتماعی و کمک به درماندگان و امور عام المنفعه نیز شخص میرزا اسوه بود.ایشان در معاشرت و همراهی با مردم ضرب المثل بود و به کسانی که توانایی برخورد صحیح با مردم نداشتند و از اخلاق حسنه محروم بودند،اجازه اجتهاد نمی داد.در واقع آنان را از برخورد با مردم و به عهده گرفتن مسائل اجتماعی بازمی داشت. این اخلاق مداری و آداب دانی و کمک به فقرا و درماندگان موجبات احترام و خوش بینی پیروان مذاهب را به ایشان و شاگردان ایشان فراهم آورد،به نحوی که گفته شد پس از گذشت بیش از یک و نیم قرن هنوز در خاطره اهالی سامرا زنده است.

3) اصول گرایی

میرزای شیرازی هرچند در اصول فقه شاگر شیخ انصاری است،اما برخلاف آخوند خراسانی،زمانی به درس شیخ انصاری راه می‌یابد که شخصیت علمی‌اش در اصفهان شکل گرفته و از کسانی چون مدرس بیدآبادی و صاحب جواهر اجازه اجتهاد دارد.در حقیقت میرزای شیرازی در اصول فقه تابع علامه مجدد وحید بهبهانی است که در مقابل اخباریگری به مبارزه پرداخت،هرچند که شیخ انصاری نیز در این مسیر قرار داشت و مقابل وحید بهبهانی نبود،اما بین روش اصولی وحید بهبهانی و شیخ انصاری تفاوتهایی ملاحظه می‌گردد و در برخورد با مسائل به دوگونه عمل می‌شود.

روش شیخ انصاری توسط آخوند خراسانی به نجف منتقل شد و روش وحید بهبهانی توسط میرزا به سامرا و سپس توسط شیخ‌عبد الکریم حائری به قم رفت و ایشان هرچند کتابش را با نظر به«کفایه»نوشته،ولی در اصول بیشتر گرایشش به عرفیات است که از ویژگیهای مکتب سامرا است.

از تفاوتهای دیگر این دو روش اصولی آن است که در روش شیخ انصاری،در استنباط فقهی،اول براساس اقتضائات اصل و قواعد عقلی عمل می‌شود،اما متأثران مکتب وحید بهبهانی همچون میرزای شیرازی و شیخ‌عبد الکریم حائری، اول به سراغ نصوص و متون می‌روند.18

مبارزه با اخباریگری،بیان ساده،گرایش به عرفیات و مقدم داشتن نصوص بر اقتضائات اصل و قواعد عقلی روشی است که فقه سامرا را فقهی تقریب‌گرا ساخته است که توان تعامل و گفتگوی با اهل سنت را در مقایسه با حوزه نجف که دارای بیانی سخت و پیچیده و مخلوط با اصطلاحات منطقی و فلسفی است،بیشتر دارا است.

4)سادگی بیان

اولین نکته‌ای که در مورد ویژگی فقه مکتب سامرا گفته می‌شود،بیان و قلم ساده و شیوای پیروان این مکتب در مقابل سخت و مغلق‌نویسی اصحاب مکتب نجف است. باید این شیوه بیان را حاصل محیط سامرا دانست که برخلاف نجف اشرف که مرکز علمی و تخصصی فقه و اصول شیعه بود،سامرا چنین نبود.نیز از مواردی که تأثیر بسزایی در این سادگی و روانی کلام داشت،تعامل دائم طلاب و علمای شیعه با اهل سنت بود که خود به خود آنان را از گرفتار شدن در مصطلحات پیچیده علمای شیعه

(16).ر.ک:پیشینه تقریب.

(17).تنبیه الامة و تنزیه الملة،ص 126.

(18).ر.ک:«مصاحبه با آیت اللّه میرمحمد یثری».

می‌رهاند.تا طرفین مباحثه کلام یکدیگر را بهتر دریابند.

این شیوه یعنی مباحثه بین طلاب شیعه و سنی همواره از تأسیس حوزه علمیه سامرا تاکنون ادامه دارد،چنانچه عبد الکریم بی‌آزار شیرازی در مصاحبه‌ای که با نگارنده مقاله داشتند،از خاطرات دوران طلبگی در نجف سخن گفتند و اینکه در ماه رمضان طلاب شیعه به سامرا مسافرت می‌کردند و در آنجا دائما به مباحثه با طلاب اهل سنت مشغول بودند.این گفتگوی دوجانبه و نشست و برخاستها، آثار و برکات زیادی در ایجاد تقریب بین مذاهب اسلامی و شناخت متقابل و از بین بردن سوءظنها داشته است.

5)موسوعه‌نگاری

از ویژگیهای حوزه علمیه سامرا و تربیت‌یافتگان آن- که می‌توان این مورد را هم از تأثیرات تعامل با اهل سنت دانست-توجه و اهتمام به موسوعه‌نگاری و تألیف آثار گران‌قدری است که در جهت نشان دادن خدمت شیعه و علمای آن به اسلام صورت گرفته است.این گنجینه آثار شیعه،پاسخ شبهات کسانی را از اهل سنت و مستشرقان به خوبی می‌داد که شیعه را فاقد ریشه و فرهنگی استوار می‌دانستند.

یکی از مواردی که موجب همبستگی مسلمانان می‌شود، شناخت آثار و خدمات پیروان مذاهب در حوزه فرهنگ و دانش است که هریک از پیروان مذاهب،مذهب دیگر را بر آب و خود را محق ◻ ◻مطلق نبینند،بلکه سعی در استفاده از همه دانشها بنماید.19

درباره نقش بزرگ و کارساز حوزه سامرا در مورد این تألیفات نوشته‌اند:«اگر بگوییم بعد از غیبت کبری،یعنی دوران مرحوم شیخ صدوق و طوسی و مفید،این دوران، مهم‌ترین نقش را در معرفی تشیّع و مکتب اهل بیت داشته است،گزاف نگفته‌ایم.نویسندگان و خطیبانی همچون: مرحوم سیدحسن صدر،سیدمحسن‌امین شرف الدین عاملی،کاشف الغطاء،محمدجواد بلاغی،شیخ‌محسن شراره،آقابزرگ تهرانی،علامه امینی،محمدرضا مظفر، کاشانی و...از فارغ التحصیلان مکتب سامرا بودند که توانستند جلوی تهاجمات فرهنگی دشمن را سد کنند و در جبهه‌ای وسیع،به پهنه همه عالم اسلام،بر

دستاوردهای دشمنان اسلام و اهل بیت یورش ببرند و رشته‌های آنان را پنبه کنند».20

از جمله موسوعه‌نگاران مکتب سامرا و آثار آنها می‌توان از شخصیتهای زیر نام برد:

آقابزرگ تهرانی از بزرگ‌ترین شاگردان میرزا بود که کتاب «الذریعة الی تصانیف الشیعة»را در 30 جلد نگاشت و طی آن به صورت فهرست به معرفی تألیفات شیعه پرداخت و کتاب دیگرش را نیز با نام«طبقات اعلام الشیعة نقباء البشر»در ذکر احوال و آثار عالمان شیعه از قرن چهارم تا قرن چهاردهم نوشت که در حدود 30 تا 32 جلد است.21

از دیگر موسوعه‌نگاران مکتب سامرا باید به دو هم‌ردیف و دوست ایشان یعنی سیدحسن صدر و شیخ‌محمد حسین کاشف الغطاء اشاره کرد.علامه سیدحسن صدر درباره حرکات علمی شیعه و نشان دادن سهم آنان در تأسیس و تکمیل علوم اسلامی کتاب«تأسیس الشیعة لعلوم اسلام»را نگاشت و علامه شیخ‌محمد حسین کاشف الغطاء در پاسخ کتاب«تاریخ آداب اللغة»نقدی مفصل نوشت.22

علامه سیدمحسن‌امین نیز به نگارش«اعیان الشیعة»در شرح حال عالمان شیعه پرداخت و شیخ‌ذبیح اللّه عسکری محلاتی دایرة المعارف شش‌جلدی«ریاحین الشریعة»را نوشت که در آن،شرح حال تمام زنان دانشمند شیعه را که در زمینه علم و ادب و مذهب در تاریخ اسلام نقشی داشته‌اند،گرد آورده است و نیز میرحامدحسین هندی کتاب عظیم«عقبات الانوار»را در راه توضیح و تثبیت فرهنگ شیعی تألیف کرده است که بیش از 20 مجلد سند و استدلال است و ایشان هرچند در سامرا نبود،ولی از مریدان میرزا محسوب می‌شد و مورد تقدیر میرزای شیرازی قرار گرفت.23

6)توجه به شعر و ادبیات

از ویژگیهای مکتب میرزای شیرازی در سامرا توجه به شعر و ادب است که حمایتهای ایشان نسل بزرگی از (19).ر.ک:«آسیب‌شناسی راهکارهای تقریب مذاهب و وحدت اسلامی».

(20).سیمای سامرا سینای سه موسی،ص 189.

(21).شیخ‌آقا بزرگ،صص 25-21.

(22).ر.ک:همان،ص 21.

(23).رک:همان،ص 269،ریاحین الشریعة.

شاگردان را با توانایی شعر و آشنایی با ادبیات تربیت ساخت و بسیاری از شاعران عرب و عجم را در سامرا گرد آورد و به این نحو توانست برادران شیعه و سنی را در یک محفل بدون تشنج و درگیری گرد هم آورد و برادرانه موجبات استفاده اهل سنت را در حوزه ادبیات از مدرسه سامرا فراهم آورد.

علامه سیدمحسن امین می‌نویسد:«میرزا در جهت هنر شعر نیز صاحب‌نظر بود،شعر می‌گفت و شاعران را دوست می‌داشت».24به شاعران متعهد اهمیت می‌داد،ازاین‌رو، شاعران از هر سو آهنگ سامرا کردند و بازار ادب و شعر در عصر وی رواج یافت و قصاید بلند ادبی سروده شد.

آقابزرگ تهرانی می‌نویسد:«میرزا،شعر را دوست داشت و بر آن‌جایزه می‌داد،ازاین‌رو شعرای عرب و عجم،از هر سو،آهنگش کردند و بازار ادب در عصر وی رواج پیدا کرد و میرزا به اکرام شاعران شهرت یافت».25

شاعران بسیاری در سامرا جمع شدند که مورخ سامرا مرحوم محلاتی یک جلد از کتابش را به آنها اختصاص داده است که ظاهرا چاپ نشده است،ولی در جلد سوم کتابش به آن اشاره می‌نماید.26

7)روش تدریس میرزا در سامرا

میرزای شیرازی در تدریس روشی خاص داشت که در پرورش روحیه تقریبی شاگردان این مکتب بی‌تأثیر نبوده است.از ویژگیهای حوزه ایشان حاکم بودن نظم و آرامش تحصیلی است،در حوزه سامرا هیچ‌کس مانع آرامش و آسایش دیگری نبود و محیطی آرام و بدون تشنج بود که کسی نسبت به دیگری بی‌ادبی و تعدی نمی‌کرد.میرزا توجه خاصی به پرورش روحیه آزاداندیشی طلاب و پرورش استعداد آنان داشت.ایشان ابتدای درس مسئله را مطرح می‌نمود و همه نظرات را می‌شنوید و این‌گونه سعه صدر و قدرت تحمل نظرات مخالف را به شاگردان می‌آموخت و روحیه انصاف در بحث و قدرت استنباط و اجتهاد را در شاگردان تقویت می‌نمود.از دیگر روشهای مکتب سامرا پرهیز از تطویلهای بی‌ثمر است و نیز در این حوزه همه علوم اسلامی از تفسیر،حدیث،تاریخ و علوم عقلی تدریس می‌شد و صرفا به فقه و

اصول اکتفا نمی‌شد.27

مؤلف اعیان الشیعة می‌نویسد:اگر کسی در مجلسی از ایشان سؤال می‌پرسید،ایشان رو به سوی دیگران می‌نمود و نظر آنها را جویا می‌شد،آراء را می‌شنوید و سپس پاسخ می‌گفت.28نیز توجه به سیاست و فقه سیاسی از خصایص مکتب سامرا است.

پرورش‌یافتگان مکتب سامرا

شیخ‌آقابزرگ تهرانی نام 372 تن از شاگردان میرزای شیرازی به همراه گوشه‌ای از شرح حالشان را ذکر کرده است که بسیاری از این شاگردان دارای موقعیت عالی علمی و برخی از مراجع بزرگ و نام‌آور بوده‌اند.29

میرزای شیرازی با طرحی که در سامرا ریخت،شاگردانی پرورد که هریک به سهم خود تحولی ایجاد نمودند و نقطه عطفی در حوزه‌های علمیه تشیع و حتی تسنن به وجود آوردند و در عصر جدید بسیاری از پیشگامان جنبش اصلاحی تقریب مذاهب از میان همین بزرگانند. تقریب‌گرایی و توجه به مصالح مسلمانان همان‌گونه که در روش میرزای شیرازی مشهود است،در روش شاگردان ایشان نیز نمایان می‌باشد که در هنگام وقوع فتنه بین شیعه و سنی آن را خاموش کرده و مانع از نفوذ دشمنان شده‌اند. در اینجا پرداختن به تک‌تک آنان میسر نیست و تنها به ذکر نام مشاهیر آنان و برخی از وقایع به عنوان نمونه بسنده می‌شود:

آخوند خراسانی طلایه‌دار نهضت مشروطه ایران و بیداری است،میرزای نائینی با تألیف کتاب«تنبیه الامة و تنزیه الملة»به بیان تئوری خود در مورد دولت مشروطه و وحدت اسلامی می‌پردازد،30ملاعبد اللّه مازندرانی از حامیان دارالتقریب مصر بود،آیت اللّه سیدمحمد کاظم یزدی نیز در حمایت از اهل سنت در مقابل استعمار کوتاهی (24).اعیان الشیعة،ج 8،ص 443.

(25).طبقات اعلام الشیعة نقباء البشر،ج 1،ص 439.

(26).سیمای سامرا سینای سه موسی،ص 194.

(27).همان،ص 188.

(28).اعیان الشیعة،ج 8،ص 448.

(29).طبقات اعلام الشیعة نقباء البشر،ج 1،ص 439.

(30).ر.ک:«اندیشه اتحاد در رساله تنبیه الامة و تنزیه الملة میرزای نائینی.

مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی » بهار 1392 - شماره 31 (صفحه 47)
نکرد،علامه سیدمحسن امین عاملی از طلایه داران تقریب است31و سایر شاگردان این مکتب نیز از نقش خود غافل نبوده اند از جمله:آیت اللّه محمد تقی شیرازی،آقابزرگ تهرانی،شیخ فضل اللّه نوری،آیت اللّه سیدحسن مدرس، سیدعبد الحسین لاری و...

در قضیه هجوم دشمنان اسلام به لیبی،همه علمای شیعه هم داستان شده و علیه دولتهای اجنبی حکم جهاد دادند و همه مسلمانان و شیعیان را برای نجات و تمسک به برادران سنی خویش بسیج کردند.فتوای آیت اللّه سیدمحمد کاظم یزدی به این شرح است:«در این هنگام که دول اروپایی مانند ایتالیا به طرابلس غرب(لیبی)حمله نموده و از طرفی روسها شمال ایران را با قوای خود اشغال کرده اند و انگلیسیها نیز نیورهای خود را در جنوب ایران پیاده کرده اند و اسلام را در معرض خطر نابودی قرار داده اند. بر عموم مسلمین از عرب و ایرانی واجب است که خود را برای عقب راندن کفار از ممالک اسلامی مهیا سازند و از بذل جان و مال در راه بیرون راندن نیروهای ایتالیا از طرابلس غرب و اخراج قوای روس و انگلیس از ایران هیچ فروگذار نکنند.این عمل از مهم ترین فرایض اسلامی است. تا به یاری خداوند دو مملکت اسلامی از تهاجم صلیبیها محفوظ بماند».نظیر این فتوا از علمای دیگری از جمله آخوند خراسانی نیز صادر شد.32آیت اللّه سیدمحمد تقی شیرازی معروف به میرزای دوم شیرازی از شاگردان این مکتب نیز بسیار سیاس بود و به وحدت مسلمانان توجه داشت و مواضع رخنه دشمن را مسدود می کرد،از جمله: «ویلسون وکیل مختار بریتانیا در سال 1919 م برای دیدار آیت اللّه محمد تقی شیرازی به کربلا رفت.به خوبی به زبان فارسی سخن می گفت و درصدد رشوه دادن برآمد.از آیت اللّه تقاضا کرد که شخصی را به جای کلیددار و متولی سامرا که سنی است،از بین شیعیان انتخاب کند،ولی آیت اللّه شیرازی بدون درنگ به او پاسخ داد:کلیددار سامرا شخص بسیار خوبی است و من موافق عزل او نیستم».33

در ایران نیز عالمانی که بینش سامرا را داشته اند، همواره به اتحاد مسلمانان پایبند بوده اند.برخی همانند سید عبد الحسین لاری خواستار همکاری فرهنگی و تبادل کتب بین مسلمانان شد و

از بین بردن کتاب اهل سنت و یا شیعه را برخلاف عقل و سنت می‌دانست.در بلاد عربی کتب شیعه را مصادره و از بین می‌بردند و قهرا این کار نیز در ایران و مناطق شیعه‌نشین از جانب شیعیان متعصب انجام می‌گرفت که مرحوم لاری این کار را نکوهش کرد.34

مهم اینکه دانش آموختگان این حوزه اکثرا در جبهه جنگ استقلال عراق شرکت جستند و بسیاری از آنان به شهادت رسیدند.افزون بر این،علمای حوزه نسبت به استعمار هوشیار شده و به موقع در مقابل آن عکس العمل نشان دادند.برای مثال در قضیه اشغال لیبی و نیز در قضیه هجوم انگلیس به عراق،حوزه نجف به کانون مقاومت تبدیل شد و از آنجا انقلاب عراق هدایت می‌شد.علمای بزرگ که در مکتب سامرا پرورش یافته بودند،به میدان شتافتند و در این راه صدمات بسیاری را متحمل شدند.

میرزای نائینی،سیدمحمد تقی شیرازی،شیخ الشریعه و سایر علما جبهه جنگ را رهبری کرده و در آن شرکت جستند.پس از شروع جنگ جهانی اول و اشغال عراق به دست نیروهای انگلیسی،علمای شیعه وارد صحنه شدند و علیه آنان حکم جهاد دادند و نقشه انگلیس را در جهت نشاندن یک حاکم انگلیسی در عراق،پس از فروپاشی عثمانی از بین بردند و انتخاب فردی کافر برای حکومت مسلمانان را حرام دانستند.35

تأثیر اندیشه‌های مکتب سامرا در اندیشه علمای ایران بسیار روشن است.دست‌پروردگان وی مقدمات مشروطیت را فراهم ساختند و ملت ایران را در مقابل استبداد قاجار و سلطه‌طلبی انگلیس و روسیه به مقاومت واداشتند.

در عرصه توجه به علوم و روشهای جدید و اشاعه فرهنگ تقریب نیز شاگردان مکتب سامرا پیشگام هستند که در این بین سیدهبة الدین شهرستانی بارز است و از پیشگامان بیداری مسلمانان و تقریب محسوب می‌شود.شیخ آقا بزرگ تهرانی چهره ایشان را این‌گونه تصویر می‌کند:«در سال 1319 به نجف مهاجرت کرد و در بیداری بین جوانان (31).ر.ک:«علامه سیدمحسن امین طلایه‌دار تقریب».

(32).نهضت روحانیون ایران،ج 1،ص 209.

(33).لمحات اجتماعیة من تاریخ العراق الحدیث،ج 5،ص 65.

(34).سیری در افکار و مبارزات سیدعبد الحسین لاری،ص 131.

(35). تشیع و مشروطیت،صص 178-175.

نجف ممتاز بود.در بیداری امت اسلامی آرزوهای بلند داشت و اندک‌اندک به سوی برانگیختن افکار و توجیه جوانان حوزوی گام برداشت...و در آن روز وی تلاش کرد که نجف را با دنیای خارج پیوند زند و در سال 1328 اولین مجله عربی را در عراق به نام«العلم»منتشر ساخت ...تفکر مرحوم هبة الدین برخاسته از اندیشه‌های مکتب سامرا است»36و نیز مقاله تحقیقی ایشان در شماره سوم مجله«رسالة الاسلام»با نام«رمضان رمز تقریب القلوب و تألیف الشعوب»به خوبی معرف شخصیت تقریب‌گرا و تلاش رسانه‌ای ایشان برای گسترش فرهنگ تقریب است.37

این طرز تفکر به تدریج در بسیاری از علمای نجف اثر گذاشت و آنان را متحول ساخت و تحولات بسیاری را در سطح اجتماع و حوزه علمیه باعث شد.در یک کلام شاگردان مکتب سامرا در قرن اخیر طلایه‌داران بیداری، مبارزه و قیام،تحول و پیشرفت و جنبش اصلاحی تقریب مذاهب بوده‌اند.

نتیجه‌گیری

میرزای بزرگ شیرازی با هوش سرشار و آگاهی دینی و سیاسی عظیم و سعه صدری که داشت توانست با هجرت از حوزه سنتی نجف به سامرا،حوزه و مکتبی را تأسیس نماید که الگوی برجسته‌ای از یک محیط آموزشی و پرورشی با گرایش به ایجاد همبستگی و تقریب بین پیروان مذاهب است.محیط سنی مذهب شهر سامرا و تعامل دائم طلاب شیعه و سنی در این شهر عامل مهم دیگری در کنار تلاشهای شخصی میرزای بزرگ شیرازی است که مکتبی را به وجود آورد که شاگردان آن گردانندگان اصلی حرکات ضد استعمار و استبداد و وحدت‌خواهی در قرن اخیر بوده‌اند.

در زمینه فقه نیز مکتب سامرا مدلی ارائه نموده است که بیشترین ظرفیت را در جهت ایجاد تقریب بین مذاهب اسلامی دارد.توجه به فقه سیاسی اسلام و اهتمام به امور همه مسلمانان جهان و امور اجتماعی آنان،توجه و گرایش به مکتب اصولی و مبارزه با اخباریگری،انتخاب روش اصولی به دور از پیچیدگی و گرایش به عرفیات و نصوص در اصول فقه،بیان ساده در تدریس و تألیف،توجه به موسوعه‌نگاری،توجه به شعر و ادبیات و فراهم آوردن محیطی آرام و بدون تشنج برای طلاب همراه با پرورش قوه استنباط و استدلال و دارای سعه صدر و قدرت تحمل نظر مخالف،گوشه‌ای از ویژگیهای بارز این مکتب است که می‌تواند سرمشق نهادهای تقریبی در جهان امروز و از جمله دانشگاه

مذاهب اسلامی قرار بگیرد.

مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی » بهار 1392 - شماره 31 (صفحه 49)

کتابنامه

1.آذرشب،محمد علی،پیشینه تقریب،ترجمه رضا حمیدی، تهران،مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی،1383 ش.

2.آیت اللهی،سیدمحمد تقی،سیری در افکار و مبارزات سیدعبد الحسین لاری،تهران،امیرکبیر،1363 ش.

3.الوردی،علی حسین،لمحات اجتماعیة من تاریخ العراق الحدیث،تهران،مکتبة الحیدریه،1378 ش.

4.امین،سیدمحسن،اعیان الشیعة،بیروت،دارالتعارف للمطبوعات،1420 ق.

5.بی‌آزار شیرازی،عبد الکریم،آشنایی با مذاهب فقهی اسلامی،تهران،انتشارات شورای برنامه‌ریزی علوم دینی اهل سنت،1391 ش.

6.همو،«علامه سیدمحسن امین طلایه‌دار تقریب»،مجله فروغ وحدت،شماره 12،1382 ش.

7.حائری،عبد الهادی،تشیع و مشروطیت،تحقیق:سید حسن امین،تهران،امیرکبیر،1360 ش.

8.حرزالدین،شیخ محمد حسن،مصارف الرجال فی تراجم العلماء و الادباء،قم،مکتبة آیت اللّه مرعشی نجفی، 1405 ق.

9.حکیمی،محمد رضا،شیخ آقا بزرگ،تهران،دفتر نشر فرهنگ اسلامی،1374 ش.

10.دارابی،بهنام،«آسیب‌شناسی راهکارهای تقریب مذاهب و وحدت اسلامی»،مجله فروغ وحدت،شماره 25،1386 ش.

11.همو،«اندیشه اتحاد در رساله تنبیه الامة و تنزیه الملة میرزای نائینی»،مجله اندیشه

تقریب،شماره 29، 1390 ش.

12.همو،«مصاحبه با دکتر عبد الکریم بی‌آزار شیرازی»، فروردین 1392 ش.

13.دوانی،علی،نهضت روحانیون ایران، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا(ع)،1360 ش.

14.صحتی سردرودی،محمد،سیمای سامرا سینای سه موسی،قم،مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، 1374 ش.

15.طهرانی،شیخ آقابزرگ،طبقات اعلام الشیعة نقباء البشر،مشهد،دارالمرتضی،1404 ق.

16.همو،الذریعة الی تصانیف الشیعة، بیروت،دارالاضواء، 1403 ق.

17.غروی نائینی،میرزامحمد حسین،تنبیه الامة و تنزیه الملة،به کوشش محمودزاده حسینی،تهران،امیرکبیر، 1380 ش.

18.کفائی،عبد الحسین‌مجید،مرگی در نور:زندگی آخوند خراسانی،تهران،کتاب‌فروشی زوار،1359 ش.

19.محلاتی،شیخ‌ذبیح اللّه،ریاحین الشریعة،تهران، دارالکتب الاسلامیه،بی‌تا.

20.مجله رسالة الاسلام،قاهره،دارالتقریب،سال اول، شماره 3،1949 م.

21.مدرسی،فرید،«مصاحبه با آیت اللّه میرمحمد یثربی»، خبر آنلاین،19 مرداد 1390 ش.

22.همو،«گفتگو با آیت اللّه سیدرضی شیرازی»،خبر آنلاین،1390/2/24 ش.

23.مدرسی،محمد علی،ریحانة الادب فی تراجم المعروفین، بالکنیة او اللقب،تهران،خیام،1374 ش.

24.«مصاحبه با آیت اللّه سیدرضی شیرازی»،مجله حوزه، شماره 50 و 51.

منبع: مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی » بهار 1392 - شماره 31 (صفحه 40)

*بهنام دارابی

دانشجوی کارشناسی ارشد فقه مقارن و حقوق جزای اسلامی دانشگاه مذاهب اسلامی